

## تشکیلات الهی و نقش آن در برنامه ریزی های فردی و اجتماعی

M.B. Hekmatnia

### THE DIVINE SYSTEM AND ITS ROLE IN PROGRAMMING INDIVIDUAL AND SOCIAL WELL-BEING

#### Part One: Generalities, Definition, Criteria

**Keywords :** Divine, system, programming, well-bein, programming.

The Divine System is that which refers to God and includes all true believers in God from the beginning of Creation to Eternity. It includes all aspects of the political, social, and fiscal affairs of this group. It is a discipline which shows God's volition. Its goal is to reach ultimate development and utilize all God-given facilities in this trend. Members of this system are as the organs of the human body which function cooperatively in competent unison throughout the difficulties of life. This power lays the way for Divine authority all over the world and presents laws for removing negtive factors in order to facilitate the development of mankind. All humans who are not a part of this system are considered as belongong to the non-Divine system. The destiny of humans is related to the Divine or non-Divine system in which they follow, and fate is really due to the system he chose himself. Preeminence, the destiny of the Divine System, is reached through development and God's favor. On the other hand, kismet of the follower of the non-Divine system, is a plunge into the depths of Hell. The criteria for a successful or unsuccessful life is related to the person's own succession of actions according to his aim in life. As the goal of creation is to gain development and God's favors, one who has faithfully followed this trend is successful, but one who has avoided this path has failed. In this respect Imam Ali (PBUH) said that one's richness or impoverishment can be considered after final evaluation by God. The 104th Chapter of the Qur'an, too, elaborates upon this subject. All members of this system behave according to their duties to God, and to gain his favor, but the members of the non-Divine system create even more distance between themselves and God by behaving in accordance to their own passions to gain more pleasure.

#### چکیده :

تشکیلات الهی تشکیلاتی است منسوب به الله که تمام انسانهای واقعاً مؤمن را از ابتدای خلقت تا ابدالابد شامل می‌گردد و کلیه جنبه‌های سیاسی-اجتماعی و مالی آنها را نیز

تشکیلات الهی و نقش آن در برنامه  
ریزی‌های فردی و اجتماعی  
استاد محمد باقر حکمت نیا\*

\*- صندوق پستی ۶۱۳۵- مشهد

این مقاله از مجموعهٔ درسهای استاد در جلسه پزشکان توسط بعضی از افراد شرکت کننده تنظیم و به نظر استاد رسیده است.

قسمت اول: کلیات - تعریف و عوامل ورود در آن

میلادی می‌باشد، شمرده می‌شوند. علاوه بر مشکلات فوق، اختلال در شناخت و سبک زندگی، کشمکش‌های بین فردی و جنگ‌های وسیع را در طول تاریخ به وجود آورده‌است و هم اکنون نیز جریان دارد. به نظر می‌رسد مشکل اساسی در بروز چنین عارضه‌هایی، عدم توجه به تشکیلات الهی به عنوان یک سیستم کارساز برای کلیه تصمیم‌گیرها و برنامه‌ریزی‌های فردی و اجتماعی است.

جزء لاینفک این سیستم «ایمان به خدا» است که در صورتی که به‌خوبی به آن پرداخته شود، می‌تواند مسیر زندگی فرد و اجتماع را به سمت «رشد» سوق دهد و کاهش جرم، جنایت، خشونت، الکلیسم، بی‌بندوباری جنسی را به ارمغان آورد. تشکل خانوادگی را حفظ نماید و در یک کلام، امنیت فردی و اجتماعی را واقعاً تضمین کند.

#### تعریف

تشکیلات الهی یا حق‌گرایان کسانی هستند که محرک آنها حق است و عمل آنها برحسب وظیفه است نه برحسب نفع و ضرر شخصی و ظاهر عمل آنها تقوا است یعنی استیفای حق برای ایفای حق. بنابراین کسانی که محرک آنها نفع و ضرر شخصی باشد و عمل آنها برای جلب منفعت و دفع ضرر شخصی دور بزند یا منطبق با آئین تقوی نباشد، افراد خودگرا خواهند بودنه حق‌گرا.

درحقیقت همه جهان تکوین رامی‌توان به نام تشکیلات الهی نام‌گذاری نمود. خداوند با قراردادن نیروئی به نام عقل درانسان، مفهوم تکلیف را درمقابل او قرار داده‌است. درنتیجه انسانها به دو طبقه متفاوت تقسیم می‌شوند که شاید بتوان با یک دید وسیع‌تر آنها را دو گروه متضاد نیز نامید:

۱- گروهی که براساس اراده‌آزاد، تکلیف خود را درمقابل خداوند انجام می‌دهند و تشریح الهی رامی‌پذیرند و درنتیجه خود آنها و هرچه وابسته به آنها باشد، تشکیلاتی را به‌وجود می‌آورند که می‌توان آنها را به نام «تشکیلات الهی» نام‌گذاری کرد.

۲- گروهی از انسانها که تکلیف خود را در برابر خداوند انجام نمی‌دهند و تشریح الهی را نمی‌پذیرند و درنتیجه خود آنها و هرچه وابسته به آنها باشد به نام تشکیلات غیر توحیدی

دربرمی‌گیرد. نظامی است که نمایانگر اراده الهی است. هدف آن «دستیابی به رشد تا حد بی‌نهایت» می‌باشد و به این منظور همه امکانات خدادادی رااستخدام می‌نماید. اعضای تشکیلات الهی مانند اعضای بدن انسان می‌باشند که در خوشی و ناخوشی یکدیگر شریک هستند. این نیرو همواره خواهان زمینه‌سازی برای حاکمیت توحید بر انسانها می‌باشد تا عوامل سقوط از بین بروند و امکانات رشد فراهم آیند. کلیه انسانهایی که دراین تشکیلات نیستند در تشکیلاتی به نام تشکیلات طاغوتی قرار دارند. این طبقه‌بندی قطعی است و تشکیلات سومی درجهان وجود ندارد.

سرنوشت انسان بستگی به قرارگرفتن در یکی از دو تشکیلات فوق دارد. درحقیقت سرنوشت، مربوط به تشکیلات می‌باشد. سرنوشت تشکیلات الهی، دستیابی به رشد و قرب الهی است و به اعلی‌علیین خواهد رسید و سرنوشت تشکیلات طاغوتی به علت اصالت دادن به دنیا حرکت به سمت هاویه و اسفل‌السافلین می‌باشد.

معیار موفقیت و عدم موفقیت انسان، براساس دستیابی به هدف می‌باشد. هدف خلقت انسان دستیابی به رشد و قرب الهی است. تنها درصورت دستیابی به رشد و قرب الهی انسان موفق است و در غیر این صورت دچار زیان شده‌است. بر همین اساس است که علی‌علیه‌السلام می‌فرماید که غنا و فقر بعداز عرضه شدن به پیشگاه خداوند می‌باشد. معیارهای موفقیت و عدم موفقیت و رشد و سقوط در چهار معیار زیر خلاصه می‌گردند:

۱- ایمان به خدا.

۲- عمل صالح.

۳- سفارش به حق.

۴- سفارش به صبر.

برداشت دیگر این که اعضای تشکیلات الهی فقط براساس انجام تکلیف و دستیابی به قرب الهی کار می‌کنند. درصورتی که انگیزه کار در تشکیلات طاغوتی هوای نفس و دستیابی به لذت می‌باشد.

#### مقدمه

علی‌رغم پیشرفت‌های گسترده در تکنولوژی هم‌اکنون جوامع بشری با مشکل‌های متعددی روبه‌رو هستند. افزایش جرم، جنایت، خشونت، الکلیسم، بی‌بندوباری جنسی، سست شدن بنیاد خانواده و احساس عدم امنیت از شاخصه‌های زمان معاصر که پایان قرن بیستم میلادی و آغاز سده بیست و یکم

یا به اصطلاحی که قرآن مجید به کار می‌برد به نام تشکیلات طاغوتی یا «حزب الشیطان» نام‌گذاری می‌شوند.

### هدف های تشکیلات الهی

خداوند به‌عنوان برنامه‌ریز، سیاست‌گزار و مدیر جهان هستی، هدف از خلقت را در دستیابی به رشد که پیش‌نیاز قرب‌الهی می‌باشد خلاصه کرده است و در آیه ۲ سوره جن هدف قرآن مجید را به صورت زیر اعلام می‌فرماید:

«یهدی الی‌الرشد» یعنی قرآن به رشد دعوت می‌کند.

در قاموس قرآن رشد با معانی هدایت، نجات، صلاح و کمال به کار رفته است و در پایان چنین نتیجه می‌گیرد: «ناگفته نماند باید در آیات دقت کرد و هر کدام از معانی چهارگانه که مناسب باشد در نظر گرفت، گرچه همه در واقع یکی هستند» (۵).

به نظر می‌رسد بتوان ارتباط زیر را بین چهار مفهوم فوق مطرح ساخت و آنها را به عنوان مراحل رشد مورد استفاده قرار داد:

۱- هدایت

۲- صلاح

۳- کمال

۴- نجات

۱- هدایت نیاز و مرحله اول است. انسان در زمان تمیز و تکلیف نیاز به هدایت دارد. هدایت خود شامل هدایت تکوینی و هدایت تشریحی می‌باشد.

۲- صلاح: چنانچه انسان معیارهای رشد و سقوط را فراگیرد و رفتار خویش را از طریق تعبد با آموزشهای توحیدی وفق دهد به مرحله صلاح می‌رسد. او در این مرحله در صراط مستقیم گام برمی‌دارد و در هر مرحله، شکوفائی عقلانی بیشتری پیدا خواهد کرد.

۳- کمال: با پیمودن مرحله‌های اول و دوم (هدایت و صلاح) به‌طور خود به خود، کمال تحقق پیدا می‌کند که آن را نهایتی نیست و کمال تاحد بی‌نهایت می‌باشد.

۴- نجات: نجات نتیجه سه مرحله قبلی می‌باشد.

علی‌علیه‌السلام علت بعثت پیامبران الهی را به صورت زیر

مطرح می‌سازد (۴):

۱- آشکار نمودن فطرت انسانی

۲- تذکر نعمات الهی

۳- گفتگوی استدلالی

۴- شکوفانمودن ذخایر عقلانی

۵- نشان دادن آیات خداوند.

این اهداف رامی‌توان به‌عنوان اهداف تشکیلات الهی مطرح ساخت.

انسانهایی که این پیام، یعنی حرکت در مسیر رشد را بپذیرند و ضوابط دستیابی به آنرا انجام دهند، مجموعه‌ای را به وجود می‌آورند که می‌توان آن را به نام «تشکیلات الهی» نام‌گذاری کرد و افرادی که این پیام رانانیده گیرند و از لحاظ شناخت، عواطف و رفتار، از آن فاصله پیدا کنند به نام «تشکیلات طاغوت» نام‌گذاری می‌شوند.

با قدرت می‌توان اعلام داشت که این تقسیم بندی از دیدگاه اسلام قطعی است و تشکیلات سومی در جهان وجود ندارد. به عبارت دیگر، هر انسان، گروه و جامعه یا در تشکیلات الهی است و یا در تشکیلات طاغوتی.

این معیار، بسیار جدی و قطعی است و فرد موقعی می‌تواند ادعا کند در تشکیلات الهی است که کلیه فرآیندهای روانی خود، یعنی شناخت، عواطف و رفتار خود را در داخل تشکیلات الهی محاط کند.

چنانچه قرآن مجید و کلیه آموزشهای اسلامی را مرور کنیم مشاهده می‌نمائیم که تمام آنها ضابطه‌ها و قانونمندیهای تشکیلات الهی و طرز برخورد تشکیلات الهی ربا تشکیلات طاغوتی بیان می‌کنند.

### تأیید تشکیلات الهی در قرآن مجید

در قرآن مجید، خداوند کار پیامبران (علیهم‌السلام) و انسان‌های با ایمان را به خود نسبت می‌دهد. به‌عنوان مثال در آیه ۵۵ سوره زخرف چنین آمده است: «فلما آسفونا انتقمنا منهم» یعنی زمانی که ما را به خشم آوردند از آنها انتقام کشیدیم. امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه فوق، برداشت زیر را مطرح می‌نمایند (۲):

اضافه می‌شود و هنگامی که مؤمن می‌میرد برگه از آن می‌افتد. دقیقاً عین همین برداشت نیز از امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه فوق مطرح شده است (۱).

این برداشت برای رشد یافتگان جامعه بشر بسیار امیدوار کننده است زیرا یک درخت، خود یک سیستم است و همه اجزای سیستم به هم نیاز دارند. ریشه، ساقه، ساقه‌های فرعی و برگها همه باهم ساختار درخت را به وجود می‌آورند. شادابی یک درخت به تعداد و شادابی برگهای آن می‌باشد و درخت بی‌برگ زیبایی خاصی ندارد. همچنین برگها در کربن‌گیری دخالت می‌کنند و در روند تغذیه کمک اساسی می‌نمایند.

بر همین اساس، طرفداران خالص تشکیلات الهی، موجب ابهت خاص این سیستم درجهان می‌شوند و زمینه گسترش تفکر این سیستم را درجهان فراهم می‌آورند.

در قرآن مجید تشکیلات الهی با مفهوم «حزب‌الله» نیز مطرح شده است.

معیار حزب الله دوستی و دشمنی در را خدا است. در آیه ۲۲ سوره مجادله چنین می‌بینیم: (ای پیامبر) قومی رانیابی که به خداوند و روز بازپسین ایمان داشته باشند و با کسانی که با خداوند و پیامبر او مخالفت می‌ورزند، دوستی کنند، ولو آن که پدرانشان یا فرزندانسان یا برادرانشان یا خاندانشان باشند. اینانند که (خداوند) در دلهايشان (نقش) ایمان نگاهشته است و به فیضی از جانب خویش استوارشان ساخته است و (ایشان را) به بوستانهایی درآورد که جویباران از فرودست آن جاری است، جاودانه درآند، خداوند از آنان خوشنوداست و آنان هم از او خوشنودند، اینان (حزب‌الله) حزب خدا می‌باشند. بدانید که حزب خدا رستگارانند.

در قرآن مجید (مائده: ۵۶) تأکید شده است که حزب الله پیروز است.

امام باقر علیه‌السلام در تفسیر حزب الله، منظور از آنرا «شیعة الله و رسوله و ولیه» یعنی پیروان خدا، پیامبر و ولی پیامبر می‌داند که رستگاری از آن آنها است (۱).

خداوند متعال در آیه ۱۰ سوره فتح بیعت با پیامبر خویش را به عنوان بیعت با خود مطرح می‌فرماید و در آیه ۷ سوره انفال انداختن تیر را از جانب پیامبر و مسلمین به عنوان تیر انداختن از جانب خویش می‌داند.

خداوند، مانند ما دچار اسف نمی‌شود، بلکه اولیائی را برای خویش خلق کرده است که آنها اسف و رضایت خاطر پیدا می‌کنند. آنها مخلوق و پرورش یافته‌اند و خداوند، رضای آنها را رضای خویش و خشم آنها را خشم خویش قرار می‌دهد (۱).

چنانچه مشاهده می‌شود خداوند در آیه فوق خشم پیامبر و مؤمنان را به عنوان خشم خویش تلقی می‌نماید. این برداشت در فهم قرآن و تفسیر قرآن بسیار راهگشا است و در آیات متعددی از قرآن مجید می‌توان این مفهوم را مطرح ساخت و به خواست خدا در این مقاله ما به طور اجمال به آن می‌پردازیم و تفصیل آن را به انتشار کتابی تحت عنوان «تشکیلات الهی» موکول می‌کنیم.

### تشکیلات الهی با مفهوم شجره طیبه

در آیات ۲۷-۲۴ سوره ابراهیم، تشکیلات الهی با مفهوم شجره طیبه و تشکیلات طاغوتی با مفهوم شجره خبیثه به کار رفته‌اند و چنین می‌بینیم: آیا ندانسته‌ای که خداوند چگونه مثل می‌زند که کلمه پاک (ایمان) همانند درختی پاک (و پرورده) است که ریشه‌اش (در زمین) استوار است و شاخه‌اش سر بر آسمان دارد. میوه‌اش را به توفیق پرورگار، زمان به زمان می‌دهد، و خداوند برای مردم این مثلها را می‌زند، باشد که پند گیرند. و مثل کلمه پلید (شرک) همانند درختی است پلید که (بیخ آن) از روی زمین برکنده باشد و استوار نباشد. خداوند مؤمنان را در زندگانی دنیا و نیز در آخرت به سخن استوار، پایدار می‌دارد و خداوند ستمکاران را بی‌راه می‌گذارد و خداوند هر چه خواهد همان تواند کرد.

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه فوق می‌فرماید که پیامبر و ائمه علیهم‌السلام ریشه ثابت این درخت هستند و انسان‌هایی که از طریق ولایت وارد آن شوند شاخه‌های آن می‌باشند (۱). امام باقر علیه‌السلام نیز از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرمود من ریشه این درخت می‌باشم (۱). علی علیه‌السلام ساقه آن و امامان شاخه‌های آن و دانش، ثمره آن و پیروان ما برگهای آن می‌باشند و اضافه می‌فرماید که هنگامی نوزادی از پیروان ما متولد می‌شود برگی بر این درخت

خویش و عیادت او را عیادت خویش مطرح می‌فرماید که این خود، نهایت لطف نسبت به او و نهایت رشد برای انسان با ایمان می‌باشد.

امام موسی بن جعفر علیه‌السلام به نقل از اجداد خویش از پیامبر اسلام (ص) نقل می‌فرماید: خدای عز و جل در روز قیامت بنده‌ای را سرزنش می‌نماید و می‌فرماید: بنده من! ترا چه چیز بازداشت که به هنگامی که من بیمار شدم عیادت نمی‌کنی؟ پس او می‌گوید: پاک و منزهی، پاک و منزهی تو، تو پروردگار بندگان، نه بیمار می‌شود و نه رنجی پیدا می‌کنی. پس خدای متعال گوید: برادر مؤمن بیمار شد، تو او را عیادت نکردی. به عزت و جلال سوگند، اگر او را عیادت کرده بودی، مرا نزد او می‌یافتی. بعد من عهده‌دار نیازهای تو می‌شدم و برایت آنرا انجام می‌دادم و این به علت کرامت بنده مؤمن نزد من است و من رحمان و رحیم هستم (۳).

چنانچه در این آموزش نیز مشاهده می‌شود خداوند بیماری یکی از افراد تحت پوشش تشکیلات الهی را به عنوان بیماری خود مطرح می‌سازد که تفقد بسیار کریمانه‌ای نسبت به انسان با ایمان و تشکیلات الهی می‌باشد.

### عنوان‌های مترادف با تشکیلات الهی

#### مفهوم نظام

مفهوم نظام عنوان دیگری است که می‌توان در مورد تشکیلات به کار برد و همین مفهوم در آموزشهای اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است و پیشوایان دین به عنوان عوامل حفظ نظام معرفی شده‌اند و نظام خود دقیقاً مفهوم تشکیلات و سیستم را دارد (۶).

علی علیه‌السلام حقوق رعیت و والی را بر یکدیگر موجب نظام دوستی و الفت بین آنها معرفی می‌کند و چنین می‌بینیم: و بزرگترین حقی از حقوق که خداوند واجب گردانیده است حق والی بر رعیت و حق رعیت بر والی است و این حکم را خداوند سبحان برای هر یک از والی و رعیت بر دیگری واجب گردانیده است و آنرا موجب نظام دوستی و عزت دین قرار داده است (۴).

علی علیه‌السلام مفهوم «نظام» را در جمله زیر به کار می‌برد:

### تأیید تشکیلات الهی در سنت

امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام، اطاعت از رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم را اطاعت از خدا و پیروی از او را پیروی از خدا و زیارت او در دنیا و آخرت زیارت خداوند می‌داند و به آیه ۸۰ سوره نساء اشاره می‌فرماید که می‌گوید هر کس رسول خدا (ص) را اطاعت کند به تحقیق خدا را اطاعت کرده است و آیه ۱۰ سوره فتح را مطرح می‌نماید که هر کس با پیامبر (ص) بیعت کند با خدا بیعت کرده است (۳) و در جواب این سؤال که چه گونه خداوند مؤمنان را در بهشت زیارت می‌کند (مأخذ ۲ ج ۵ ص ۲۵۵) می‌فرماید: پیامبر (ص) آنها را زیارت می‌کند و زیارت او به مثابه زیارت کردن خداوند از آنها می‌باشد. پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله وسلم می‌فرماید جبرئیل به من گفت: خداوند فرشته‌ای را به زمین فرستاد. او به خانه‌ای رسید که مردی از صاحب آن اجازه ورود می‌خواست. از او پرسید چه حاجتی به صاحب این خانه داری؟ گفت برادر مسلمان من است که به واسطه خدای تبارک و تعالی او را زیارت می‌کنم. آن فرشته گفت: به جز از آن، عاملی برای آمدن تو وجود ندارد؟ گفت فقط برای این کار آمده‌ام. فرشته گفت: من رسول خدا به نزد تو هستم و او ترا سلام می‌رساند و می‌گوید: بهشت بر تو واجب شد. فرشته اضافه کرد که خداوند عز و جل می‌گوید هر کس مؤمنی را زیارت کند، او را زیارت نکرده بلکه مرا زیارت کرده است ثوابی که بر عهده من است بهشت می‌باشد (۷).

امام صادق علیه‌السلام نیز مضمون فوق را به صورت زیر مطرح می‌فرماید: هر کس برادر (دینی) خود را به واسطه خدا زیارت کند خدای عز و جل می‌فرماید: مرا زیارت کردی و ثواب تو بر عهده من است و به جز بهشت ثوابی را برای تو نمی‌پسندم (۹).

امام صادق علیه‌السلام اعضای تشکیلات الهی به عنوان اعضای یک بدن مطرح می‌فرماید که چنانچه یک عضو دچار درد شود، اثر آن در سایر قسمتهای بدن نمودار می‌شود (۹). خدای متعال با لطف خاصی که به مؤمن دارد کارهای او را به خود نسبت می‌دهد. مثلاً بیماری مؤمن را به عنوان بیماری

آرزوها معرفی می‌کند (۱۰).

مفهوم حصن و قلعه مفهوم دیگری است که ورود در تشکیلات الهی را نشان می‌دهد. معیارهای ورود در این قلعه، در بعضی متون، اعتقاد به موازین الهی و در بعضی دیگر نمود پیاده آن به صورت پذیرش سرپرستی پیشوایان دین و تطبیق رفتار با دستورهای آنها ذکر شده است (۸).

امام باقر علیه‌السلام دویعدی بودن تشکیلات و سیستم‌ها را با مفهوم تشکیلات الهی و شیطانی با مفهوم الهی و شیطانی، حق و باطل هدایت و ضلالت، رشد و غی (گمراهی)، توجه به جنبه‌های فوری و دیرپا (آجل و عاقبت) خوبی‌ها و بدی‌ها خلاصه می‌کند که تفصیل آنها در این مقاله نمی‌گنجد و امیدوار هستیم بتوانیم در کتابی که آنرا وعده دادیم با تفصیل نسبی به آنها پردازیم.

امام صادق علیه‌السلام نیز با استفاده از آیه ۷۶ سوره انبیاء تشکیلات الهی و طاغوتی را با مفهوم پیشوایان هدایت و پیشوایان دعوت کننده به آتش مطرح می‌سازد (۷).

تشکیلات الهی با مفهوم دولت حق و تشکیلات طاغوت با مفهوم دولت باطل.

تشکیلات الهی با مفهوم دولت حق و دولت باطل نیز به کار رفته است (۹).

باید توجه داشت، نفس دارای غریزه اختیار است و با اختیار خویش که آزادی مطلق دارد، انتخاب می‌کند و عقل یا شهوت را بر خویش حاکم می‌نماید.

امام رضا (ع) می‌فرماید: خداوند وجود اختیار را در انسان ناشی از مشیت خود معرفی می‌کند. یعنی مشیت الهی بر این روند تعلق گرفته است که انسان از تمام امکاناتی که خداوند در اختیار او قرار داده‌است، به هر ترتیب که می‌خواهد استفاده کند (۷).

چنانچه انسان عقل را بر شهوت حاکمیت دهد، درحقیقت جهاد اکبر را انجام داده است و عملاً به تشکیلات الهی وارد می‌گردد.

بنابر مفهوم آیه ۶۹ سوره عنکبوت هرکسی در راه خداوند مجاهده نماید، خداوند به‌طور قطع راههای خود را به او نشان خواهد داد و خداوند با نیکوکاران می‌باشد.

بنابراین با مجاهده ابتدائی و کنترل شهوت، زمینه تأیید و

«و مکان زمامدار دین و حکمران مملکت مکان «نظام» (رشته مهره) است که آنرا گردآورده و به هم پیوند می‌نماید. پس اگر نظام (رشته) بگسلد مهره‌ها از هم جدا و پراکنده گردند و هرگز همه آنها دیگر به هم نخواهند آمد (۴).

علی علیه‌السلام در خطبه‌ای آگاه کننده درباره برپاکنندگان جنگ جمل نیز لغت نظام را با مفهوم سازمان به کار می‌برد و چنین می‌بینیم: «به تحقیق آنان بر اثر راضی نبودن به خلافت من گردآمده یکدیگر را کمک می‌کنند و من صبر می‌کنم مادامی که بر جمعیت شما ترسم. زیرا ایشان اگر این اندیشه سست و نادرست را به اتمام رسانند، نظم و ترتیب و نظام مسلمانان به هم خواهد خورد (۴).

درگفتاری دیگر نیز علی علیه‌السلام نظام را در مورد امامت به کار می‌برد و آنرا موجب نظام امت می‌داند و اطاعت و پیروی از امام را برای بزرگ شمردن امامت معرفی می‌کند.

### مفهوم کشتی نجات

مفهوم کشتی نجات برداشت دیگری است که در متون اسلامی برای تشکیلات الهی به کار رفته است. علی علیه‌السلام کشتی نجات را وسیله‌ای برای خارج شدن از فتنه‌ها معرفی می‌کند (۴).

امام موسی بن جعفر علیه‌السلام به نقل از لقمان، کشتی مطمئن برای خارج شدن از امواج متلاطم دریای هستی را تقوا و کنترل ذکر می‌کند (۷).

### مفهوم ولایت، ولایة الله و ولایة الشیطان

مفهوم ولایت مفهوم دیگری است که تشکیلات الهی را مطرح می‌سازد و طبق همه برداشت های اسلامی مفهومی دویعدی است که به صورت ولایة الله و ولایة الشیطان مطرح شده است. حداقل معیار برای ورود به ولایت الهی و ولایت شیطانی گوش فرادادن به گوینده‌ای که با انگیزه الهی یا شیطانی صحبت می‌کند اعلام شده است (۹).

پیامبر اسلام (ص) معیار ورود به تشکیلات الهی و ولایة الله را توجه به مرگ و بی‌توجهی به آرزوها و معیار ورود به شکل شیطانی را بی‌توجهی به مرگ و بزرگ جلوه نمودن

کمک الهی فراهم می‌آید.

پیدایش کنترل عقل بر شهوت، زمینه اصلی برای مؤثر شدن پیام الهی می‌باشد.

خداوند در قرآن مجید چنین می‌فرماید: بدون شک این کتاب موجب هدایت افراد متقی (کنترل شده) می‌باشد. آنها که به جهان غیب ایمان آرند و نماز به پای دارند و از هر چه روزیشان کردیم به فقیران انفاق کنند. آنان که به آنچه به تو و به پیامبران قبل از تو فرستاده است ایمان آرند و به آخرت یقین دارند. آنها بر راه هدایت الهی و به حقیقت رستگاران جهان هستند.

طبق آیه ۵ سوره مرسلات، پیام‌های الهی به همه انسانها القا می‌شود تا حجتی از جانب پروردگار برای ایشان باشد و آنها را بیم دهد. اگر انسان با حاکمیت دادن عقل وارد تشکیلات الهی شود، قدرت فهم پیامهای الهی را دارد و اگر زیر حاکمیت هوای نفس باشد و خارج از تشکیلات الهی (دچار فسق) باشد، قدرت فهم پیام الهی را ندارد و بنابه تعبیر قرآن مجید «آنها کر و گنگ و کورند و از ضلالت خود بر نمی‌گردند.

ارائه و القای آموزشهای الهی به عنوان اتمام حجت تشکیلات الهی به انسان ها و مخالفت گروهی از مردم با آن در آیات ۲۲۱-۲۲۳ سوره شعراء و ۱۶۴-۱۶۵ سوره اعراف، ۱۳۴ سوره طه و ۴۸ سوره قصص نیز مطرح شده است و این روند نشان می‌دهد که دعوت به رشد برای همه انسان ها انجام شده و در نتیجه آنها حجتی در مقابل خداوند ندارند. انسان‌هایی که با حاکمیت هوای نفس قدرت فطرت خود را تضعیف کرده‌اند، قادر به شنیدن حرف حق، تکلم به آن و دیدن حقایق جهان هستی نیستند.

انسان با ایمان که از هواهای نفسانی خویش خارج شده‌است، خواست خدا را بر خویش حاکم می‌نماید و در واقع او عامل پیاده شدن و تحقق مشیت الهی در جهان می‌گردد.

امام باقر (ع) فرمود: خدای عز و جل فرماید: به عزت و جلال و بلندی مقام سوگند که هیچ بنده مؤمنی خواست مرا بر خواست خویش در یکی از اول دنیا برنگزیند جز آنکه بی‌نیازیش را در وجود خودش قرار دهد و همتش را متوجه آخرت سازم و آسمانها و زمین راعهده‌دار روزیش گردانم

و خودم برایش و رای تجارت هر تاجری باشم (۷).

به خواست خدا در مقاله‌های بعد در مورد عوامل خروج از تشکیلات الهی، شناخت، عواطف و رفتار، تشکیلات الهی، روند ارتباطات در تشکیلات الهی، لزوم ایجاد و تقویت تشکیلات الهی، نتایج تشکیلات الهی، پیامدهای اصلی در تشکیلات الهی درجات افراد در تشکیلات الهی بحث خواهیم کرد. امیدواریم این برداشت راهکار مناسب و میان‌بری برای رشد همه انسانها فراهم آورد و به خواست خدا همه شش میلیارد نفوس جامعه بشری که در حال حاضر زیست می‌نمایند در زیر چتر تشکیلات الهی گرد آیند و تشکیلات طاعت را خالی از نیرو سازند.

#### منابع

- ۱ - حسینی بحرانی، سیدهاشم: البرهان فی تفسیر القرآن. مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان. تاریخ انتشار ندارد.
- ۲ - الحویزی علامه: تفسیر نورالثقلین. افسست علمیه قم، تاریخ انتشار ندارد. ج ۴ ص ۶۰۸.
- ۳ - عاملی شیخ حر: وسائل الشیعه، انتشارات اسلامیة ۱۳۹۸ هجری قمری، ج ۲ ص ۶۳۵.
- ۴ - فیض الاسلام: ترجمه و شبرح نهج البلاغه. چاپخانه سپهر ۱۳۲۶ شمسی ج ۴ ص ۶۷۴.
- ۵ - قرشی سید علی اکبر: قاموس قرآن. دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴، ص ۱۰۰.
- ۶ - قمی، شیخ عباس: مفاتیح الجنان. دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۴، ص ۵۶۳.
- ۷ - کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق: اصول کافی. انتشارات علمیه اسلامی، ترجمه سید جواد مصطفوی. تاریخ انتشار ندارد.
- ۸ - مجلسی، علامه محمدباقر: بحار الانوار ج ۳ ص ۲۴۶ (باب ۸۷).
- ۹ - محمدی ری شهری: میزان الحکمه. مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۶۲ هجری شمسی. ج ۳ ص ۳۵۹-۳۵۸.
- ۱۰ - کلینی رازی محمد بن اسحاق: فروع کافی ج ۳ ص ۲۵۳.